

پژواک اندیشه

تحلیلی بر آرا و تفکرات کلنل علینقی وزیر



پدید آورندگان:

مسیح افقه • فرشید ذاکری • نادعلی شجاعی

با حضور:

شاهین فرهنگ • مجید کیانی • کیوان ساکت • رحیم آرمان

پژواک اندیشه

تحلیلی بر آرا و تفکرات کلنل علینقی وزیر

پدید آورندگان

مسیح افقه ● فرشید ذاکری ● نادعلی شجاعی

با حضور:

شاهین فرهنگ ● مجید کیانی ● کیوان ساکت ● رحیم آرمان

انتشارات
سه



زمستان ۱۳۹۸

فهرست مطالب

پیشگفتار

- ۱..... نخستین نشست: جایگاه اجتماعی و شخصیت موسیقایی.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی)
- ۲۸..... دومین نشست: آموزش از دیدگاه کلنل وزیری (۱).....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی)
- ۴۵..... سومین نشست: اخلاق در مکتب کلنل وزیری.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی)
- ۵۸..... چهارمین نشست: اثرگذاری کلنل وزیر بر موسیقی ایرانی.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی و کیوان ساکت)
- ۷۰..... پنجمین نشست: اهمیت موسیقی در دوران کلنل وزیر.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی)
- ۸۱..... ششمین نشست: کلنل وزیر و تئاتر.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی)
- ۹۶..... هفتمین نشست: کلنل وزیر در حوزه آهنگ‌سازی.....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی و شاهین فرهنگ)
- ۱۱۱..... هشتمین نشست: آموزش از دیدگاه کلنل وزیر (۲).....
(حاضران در نشست: مسیح افقه، فرشید ذاکری)
- ۱۲۰..... نهمین نشست: کلنل وزیر و نوآوری در حوزه موسیقی.....
(حاضران در نشست: مجید کیانی، فرشید ذاکری)
- ۱۳۹..... نگاهی به روانشناسی پدر موسیقی ایران.....
(نویسنده: دکتر رحیم آرمان - روانپزشک)
- ۱۴۵..... کلنل شاد بزی، ای افتخار ملت ما، باش برقرار.....
(دو گفت و گوی رادیو ایران با کلنل وزیر)

پیشگفتار

موسیقی ایران رخ داده، سبب ساز ظهور شیوه‌های متفاوت در مسیری که او پیمود، شده است.

در این میان، نگاه کلنل وزیری به پدیده آموزش در حوزه موسیقی، یکی از قابل‌اعتنا ترین مواردی است که باید به آن توجه ویژه داشت، زیرا اهمیت این دیدگاه به حدی است که بنا به باور بسیاری از اهل هنر، با توجه به این که آموزش، رکن اصلی در تعالی هر جامعه رو به رشد است، می‌توان آن را به دیگر زمینه‌های هنری در جامعه ایرانی نیز تعمیم داد.

دیگر نگرش‌های کلنل وزیری در عرصه موسیقی ایرانی، چه در حوزه فنی و چه در قلمرو جامعه‌شناسی تجربی هنر، همه از ویژگی‌های بسیار مهمی برخوردارند، که هر کدام می‌تواند موضوع مطالعه و بررسی‌های کارشناسانه مجزا قرار گیرد. برای مثال، در حوزه خلاقیت هنری، دیدگاه کلنل، نگاه موسیقی‌دان جامع‌نگری است که در سیر تعامل

کلنل علی‌نقی وزیری را شاید بتوان قابل‌تأمل‌ترین و تأثیرگذارترین چهره در عرصه موسیقی معاصر ایران دانست چرا که با توجه به پیشینه اجتماعی این هنر و موقعیت و جایگاهی که او در این عرصه داشت، هر گام وی به منزله نوعی دگردیسی فزاینده در قلمرو موسیقی ایران به شمار می‌رود و به همین لحاظ است که نمی‌توان از آنچه او در سال‌های فعالیت هنری خود در زمینه موسیقی ایران انجام داده، به سادگی گذشت.

اما مبحث مهمی که در این میان همواره موضوع بحث و اظهار نظر سررشته‌داران موسیقی در دهه‌های اخیر بوده و محور اصلی نگارش این کتاب نیز پیرامون آن قرار دارد، زوایای متفاوتی است که صاحب‌نظران به آراء، عملکرد و دیدگاه‌های این شخصیت بارز و تأثیرگذار داشته‌اند. گستره وسیع این دیدگاه‌ها، با توجه به تغییراتی که طی بیش از هفت دهه از آخرین قدم‌های او در مسیر اعتلای

خود با جامعه، کوشیده علل ناهنجاری های جامعه‌شناختی را بررسی کند و در نشان دادن آنها و نیز پیشنهاد راهکارهایی برای حل آنها، از هنر ارزشمند خود کمک گیرد.

قطع یقین ضرورت انجام پژوهش‌ها و تحلیل‌های گوناگون در زمینه آرا و اندیشه‌های مردی که حتی مخالفانش نیز از تأثیر تفکرات او دور نمانده‌اند، یکی از مهم‌ترین اموری است که لزوم انجام آن در پدیدارشناسی حوزه هنر، غیر قابل انکار است. گرچه استاد روح‌الله خالقی (۱۳۳۳) با قلم شیوایش به بیان اهمیت و شیوه کار کلنل وزیری پرداخته و آقای علیرضا میرعلینقی (۱۳۷۷) نیز آثار قلمی و گفتاری کلنل را بررسی نموده است، اما تحلیل اندیشه‌های وزیری هنوز در لیست ضرورت‌های فرهنگی ما قرار دارد. این مهم تا آنجا لازم می‌نماید که بازخوانی و بازشناسی یکی از نخبه‌ترین شخصیت‌های هنر معاصر ایران که مانند همه نخبگان این دیار، در تیررس نگاه‌های نخبه‌کشان قرار گرفت را برای نسل‌های آینده هنر و فرهنگ این کشور واجب می‌سازد. او متهم ردیف اول نوگرایی در موسیقی ایرانی بود، اتهامی که نمی‌توان به روشنی گفت که آیا ماهیتاً جرم بود یا خیر. اکنون که بیش از چهل سال از درگذشت او سپری شده است، شاید بتوان بسیاری از سیره هنری وی را یک فرهنگ نامید: "فرهنگ وزیری!"

شک نیست که داوری در مورد ماندگاری اندیشه‌های کلنل، نیازمند بررسی آنها در زمان و

مکان ظهور آنهاست، اما تردیدی هم نباید داشت که مهر نوگرایی در حوزه موسیقی، از همان ابتدای کار بر آثار و اندیشه‌های کلنل نقش بست و تا پیش از سال‌های "۱۳۱۰" و بعد از آن نیز به بهانه‌های مختلف، در کارنامه‌اش تمدید شد. با این اوصاف آنچه کلنل از خود بر جای گذاشت، دست‌مایه‌ای قابل اعتناست که به مثابه میراثی ارزشمند، هم اکنون در زمینه‌های مختلف موسیقی ایرانی از آن استفاده می‌شود و چه بسایرند افرادی که واقف به تأثیرات اندیشه‌های کلنل وزیری در حوزه فعالیت خود نیستند. در هر صورت زمان و تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف شخصیت کلنل در زمینه‌های آهنگ‌سازی، آموزش، نگرش‌های جامعه‌شناسی و دیگر ابعاد او، بهترین راه برای رسیدن به شناختی عمیق‌تر از این شخصیت برجسته است.

مجموعه پیش رو نیز در واقع گامی است در جهت باز تحلیل تعامل مشترک دیدگاه موسیقایی و ادغام آن با دیگر آرای استاد علینقی وزیری که در قالب یک بحث سه جانبه بین نگارنده، آقای فرشید ذاکری (پژوهشگر و نوازنده) و آقای نادعلی شجاعی (فیلمساز و مدرس کارگردانی سینما) در سال‌های ۹۴ و ۹۵ صورت گرفته است. در ادامه نیز مباحثاتی به شکل گفت‌وگو با استادان شاهین فرهنگ (آهنگساز و استاد دانشگاه تهران)، کیوان ساکت (نوازنده، آهنگساز و مدرس دانشگاه) و عبدالمجید کیانی (پژوهشگر، نوازنده و استاد دانشگاه تهران) به این اثر اضافه شده است تا به ویژه در تکمیل

رویارویی آرا و عقاید علینقی خان مؤثرتر واقع گردد. همچنین از آنجا که بخشی از دیدگاه‌های مطرح شده در این نوشتار به ویژگی‌های روانشناختی استاد علینقی وزیری باز می‌گشت، بخشی از آن نیز به یک مقاله در زمینه کاوشی در خواص روانشناسی وزیری که از سوی دکتر رحیم آرمان (روانپزشک) ارائه شد، ضمیمه این مجموعه گردید. در نهایت با استفاده از دو فایل صوتی که در بردارنده مصاحبه‌های انجام شده با کلنل وزیری هستند نیز به عنوان بخشی از آرا و اندیشه او در این مجموعه استفاده شده است که مصاحبه اول در زمان تصدی ریاست شورای عالی موسیقی رادیو، بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ و مصاحبه دوم دو سال پیش از درگذشت وی، یعنی حدود سال ۱۳۵۶، انجام شده است؛ که لازم است از استاد کیوان ساکت به جهت در اختیار قرار دادن این فایل‌های صوتی تشکر نمایم. اساساً تصور نگارنده بر این است که حوزه روانشناختی استاد وزیری نیازمند کار وسیع‌تری است بدین معنی

که نظرات دیگر صاحب‌نظران در یک مجموعه می‌تواند تصویر دقیق‌تری از او ترسیم کند. در هر صورت با ادای احترام به استادان یادشده، قطعاً ادبیات پژوهشی موسیقی ایران نیازمند تحقیقات و تحلیل‌های بسیاری در مورد علینقی وزیری و آثارش است که امیدوارم دیگر پژوهشگران در این زمینه آثاری را به جامعه موسیقی ایران عرضه نمایند تا نسل‌های آینده دیدگاهی جامع از کلنل علینقی خان داشته باشند.

در پایان از آقای کامران هوشمند مظفری، مدیر محترم انتشارات سمر نیز سپاسگزارم که با دقت و پشتکار بسیار، متن مصاحبه‌ها را ویرایش نمودند که خود کاری بس دشوار بود.

مسبح افقه

زمستان ۱۳۹۸

مسیح افقه

در ابتدای بحث، اگر بخواهیم در مورد جایگاه اجتماعی و شخصیت موسیقایی کلنل وزیری که در نهایت منجر به تبیین عقاید و اثرگذاری ایشان و ایجاد نوعی جریان در حوزه فرهنگ موسیقی این سرزمین گردید، صحبت کنیم، بی شک باید از چگونگی زندگی، نوع تربیت و سرنوشت این شخصیت ویژه آگاهی داشته باشیم. همان طور که می‌دانید کلنل وزیری یک پیشینه نظامی‌گری داشته و مدتی در فوج قزاق خدمت کرده است و در این دوره با گروه‌های نظامی اروپایی یا شبه اروپایی آشنا شده و از دیسپلین نظامی آنان تأثیر گرفته است، تأثیری که در ساختار ذهنی او جای گرفته و بازتاب آن در آینده اش دیده می‌شود. از سوی دیگر، پدر ایشان هم که که "موسی" نام داشته، افسر قزاق بوده و به نظر می‌رسد که ورود به خدمت نظام، شغل آبا و اجدادی آنان بوده است. بنابراین علینقی جوان در یک سیستم خانوادگی منظم و دارای دیسپلین تربیت شده که این خود نقش بسیار مهمی در ساختار شخصیتی دوران کودکی اش داشته است. با وجود این که اطلاع چندانی از دوران کودکی وی در دست نیست، اما با توجه به این پیشینه خانوادگی، می‌توان حدس زد که کلنل وزیری از دوران کودکی با انضباط و دیسپلین بزرگ شده و بعدها در سنین نوجوانی نیز که وارد همین حرفه مأموس شده و نیز در دوره‌ای که یک صاحب منصب نظامی بوده، از شخصیتی منضبط برخوردار بوده است. بعدها هم که وی برای ادامه تحصیل به فرنگ می‌رود و پس از بازگشت، آن جریان موسیقی را در سطح کشور ایجاد می‌کند، همه اینها به نوعی معطوف به آن فرهنگ هم هست. این یکی از ویژگی‌های مهم شخصیت کلنل وزیری است که نمی‌توان به سادگی از کنارش گذشت، چون شاید اگر وزیری این خصیصه را نداشت، معلوم نبود که بتواند جریانی با این عمق و وسعت را به راه اندازد. بعدها در مکتبی هم که



آقای کلنل علی نقی خان وزیری
رئیس مدرسه عالی موسیقی

جایگاه اجتماعی و شخصیت موسیقایی

نخستین نشست: ۱۸ آذر ۹۴ - شیراز

با حضور آقایان:

مسیح افقه، فرشید ذاکری، نادعلی شجاعی

وزیری بنیان می‌گذارد، افراد شاخص و خیلی وفادار به او، مانند خالقی نیز چنین خصیصه‌ای داشته‌اند و با وجود این که حرفه‌اشان نظامی‌گری نبوده، اما فطرتاً پیرو همان نظم و ترتیب بوده‌اند.

نکته جالب پارادوکسی است که بین حرفه خشن و زمخت نظامی‌گری کلنل وزیری با روحیه لطیف او که در آثار ماندگارش بازتاب یافته، دیده می‌شود. این که او توانسته بین حرفه خشن نظامی‌گری و هنری مانند موسیقی، پل بزند، خود نکته مهمی است که نشان از شخصیت قوی و جامع اطراف وی دارد. از سوی دیگر، ویژگی‌ها و مناسبات اجتماعی آن زمان و دآوری‌های بی‌رحمانه عوام درباره بزرگان موسیقی و نامیدن آنها با القاب توهمین‌آمیزی مانند "عمله طرب"، ورود و ماندن در جرگه هنرمندان را مشکل می‌کرده است. بنابراین این که کلنل وزیری توانسته بین دو خصیصه مختلف این طور ارتباط برقرار کند و نظم حاصل از خصوصیات نظامی‌گری را با بخش دیگر که فطرت اصلی وزیری است و آن روحیه لطیف اوست هماهنگ کند، نکته مهمی است که به شناخت بهتر شخصیت او کمک می‌کند. همان طور که می‌دانید، خانواده وزیری به آن مفهوم هنرمند نبوده که برای مثال جزء خاندان هنر به شمار آید و همه اعضای آن با موسیقیدانان و بزرگان هنر در زمینه‌های مختلف حشر و نشر داشته باشند. این طور نقل شده، خاندان وزیری هم به هر حال در حرفه نظامی‌گری بوده، البته مادرش با تعلیمات جدید آشنایی داشته یا دایی ایشان هم اولین معلم تار کلنل بوده است.

فرشید ذاکری

بله، در کتاب "سرگذشت موسیقی ایران" گفته شده که مادر ایشان ضرب می‌گرفته و آواز هم می‌خوانده است. من می‌خواهم خیلی سریع سرگذشت ایشان را مرور کنم: استاد علینقی وزیری در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در

تهران متولد شده است. پدرش که افسر قزاق بوده و موسی نام داشته، صاحب ۵ فرزند می‌شود که سه نفر از آنها وارد خدمت نظام می‌شوند. افراد شاخص از بین این برادران، یکی علینقی وزیری است که مورد بحث ماست و دیگری برادر کوچکترش، حسنعلی وزیری که به دنبال نقاشی می‌رود و شاگرد کمال الملک می‌شود. روح الله خالقی در بیان سرگذشت کلنل می‌گوید: کسی که وزیری در دوران نوجوانی تحت تأثیرش بوده، دایی مادرشان است که پیرمرد دانشمندی بوده و مجلسی داشته و در آن مانند علمای قدیم درس فلسفه، علوم و... می‌گفته و موسیقی را هم در بخش ریاضی تدریس می‌کرده است. ایشان علاوه بر تدریس ریاضی و هندسه، کتاب "دره التاج" نوشته "قطب‌الدین شیرازی" را هم درس می‌داده و تعداد زیادی طلبه در جلسات درس او حاضر می‌شده‌اند. در آن موقع بیشتر کسانی که دنبال دانش می‌رفتند، طلبه‌ها بودند و افراد عادی کمتر به دنبال تحصیل علم می‌رفتند، مگر کسانی که تا یک مقطع کمی در مکتب‌خانه‌ها درس می‌خواندند. شخصیت تأثیرگذار بعدی بر شکل‌گیری کاراکتر علینقی جوان، دایی خودش بوده که "دکتر حسینعلی خان" نام داشته و در سرگذشت وزیری به او اشاره شده است. دکتر حسینعلی خان عضو دربار و پیشکار مظفرالدین میرزا در دوره ولیعهدی او بوده است. بعدها کلنل وزیری وقتی به سن ۱۵ سالگی می‌رسد، اولین مشق‌های موسیقی را از دایی‌اش می‌گیرد. پس از آن است که در نظام وارد می‌شود و اولین درس نت‌خوانی را از "یاور آقا"، صاحب منصب موزیک قزاق خانه، فرا می‌گیرد.

مسیح افقه

واقعیت این است که وقتی کلنل وزیری را با "حبيب سماعی" یا حتی "ابوالحسن صبا" مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که ارتباط این دو به حوزه هنر، بیشتر از وزیری



می شود. اما آن بخش از خصایل تربیتی مربوط به نظم و انضباط نظامی، همیشه همراه وزیری است. به همین خاطر هست که او می تواند در سیستم موسیقی اروپایی دوام بیاورد. من اعتقاد بر این است که اگر کلنل وزیری اهل این حوزه نظم و ترتیب نبود، به این آسانی نمی توانست در کنسرواتوار پاریس درس بخواند. همان طور که می دانید نظام آموزشی موسیقی در اروپا، نظامی کاملاً منظم است و این کلنل وزیری بوده که با برخورداری از شخصیت منظم و با دیسپلین، توانسته با نظم حاکم بر سیستم موسیقی در اروپا هماهنگ شود و شاید اگر افراد دیگری با همین میزان استعداد و از بستر فرهنگی کشور ما در آن زمان به اروپا می رفتند، نمی توانستند آنجا دوام بیاورند.

فرشید ذاکری

جالب اینجاست که در دوره خدمت نظام هم به دنبال موسیقی بوده است.

بوده است. البته این درست است که دایی وزیری اهل ذوق و احياناً موسیقی بوده و برادرش هم اهل هنر، از سوی دیگر، اگر این نظریه علمای ژنتیک را که می گویند: "هنر از طریق ژن افراد منتقل می شود" بپذیریم، بنابراین می توان نتیجه گرفت که ژن هنر در خانواده وزیری وجود داشته است و این که اشاره کردم هنر به طور فطری در او بوده، منظوره همین است. این که استاد خالقی اشاره می کند به دایی و مادر کلنل وزیری، نشان می دهد که اینها صاحب ذوق بوده اند. اما به نظر می رسد که هنر به شکل حرفه ای در این خاندان نهادینه نبوده و آنقدر که حرفه نظامی گری بر فرهنگ این خانواده استیلا داشته، هنر استیلا نداشته است. شما پیشینه بسیاری از بزرگان هنر را که بررسی کنید، می توانید به ارتباط ژنتیک شان با هنر پی ببرید. در بسیاری از موارد اصلاً تعجب آور نیست که فرزندان بزرگان موسیقی، تبدیل به موزیسین های تمام عیار کشور شده باشند. برای مثال "حبیب سماعی" که پدرش "سماع حضور" بوده است و ایشان تحت تعلیم پدرش قرار داشته، یا "میرزا عبدالله" که پدرش "میرزا علی اکبرخان" و پدر خوانده اش که "آقا غلامرضا" ست و همه اعضای خانواده اش اهل هنر بوده اند، اصلاً ایشان در بستر موسیقی بزرگ شده است و اگر "میرزا عبدالله" نمی شد، جای تعجب بود! اما کلنل وزیری این شرایط را نداشته البته خانواده اش اهل ذوق بوده اند اما موسیقیدانان حرفه ای نبوده اند که بخواهند موسیقی را به او انتقال دهند. حرفه اصلی آنها نظامی گری بوده، به همین دلیل هم هست که سه تا از فرزندان در این خانواده می روند داخل نظام و افسر می شوند. در واقع با احتساب خود کلنل وزیری، چهار نفرشان می روند دنبال این کار. این واقعیت نشان می دهد که حرفه نظامی گری به شکل موروثی در فرهنگ این خانواده وجود داشته است؛ اما این بحث فطری هم در این جریان دخیل بوده، به همین خاطر زمانی که کلنل وزیری از یونیفورم نظامی در می آید، تا این حد شکوفا

مسیح افقه

بله، چون هنر موسیقی در او جنبه فطری داشته است.

فرشید ذاکری

در بخشی از سرگذشت کلنل آمده که وزیری می‌رود و با صاحب منصب موزیک قزاقخانه که در ابتدا منصبی هم نداشته، دوست می‌شود و رابطه‌اش آن طور می‌شود که کلنل خارج از نوبت می‌رفته پیش صاحب منصب و از او موسیقی یاد می‌گرفته است.

مسیح افقه

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت کلنل وزیری در فرنگ مدیون دو ویژگی او بوده است: اول نظم و دیسپلین نظامی نهادینه شده در شخصیت او و دوم روحیه لطیف ذاتی‌اش.

این که کلنل وزیری مانند اروپایی‌ها منظم بوده یکی از ابزار موفقیتش به شمار می‌آید وگرنه شاید نمی‌توانست با داشتن هر میزان استعداد، در آن سیستم منظم دوام بیاورد. ما می‌دانیم که در دوره کلنل وزیری، جامعه ایران جامعه منظم و منضبطی نبوده همچنان که امروز هم چندان در این زمینه رشد نکرده است. در واقع مردم ما مردم منظمی نیستند و در پذیرفتن سیستم‌های آموزشی سخت و منضبط، مشکل دارند. اما وضعیت جامعه و فرهنگ اروپایی به کلی متفاوت است. در اروپا، در بسیاری از زمینه‌ها از جمله هنر موسیقی، نظم نهادینه شده است و در این باره با کسی تعارف ندارند؛ یعنی یک مدرس موسیقی اروپایی انتظار دارد که محصلین موسیقی در انجام تکالیف‌شان کاملاً منظم باشند و رفتارهای بی‌نظم و افسار گسیخته که به آنارشسیسم آموزشی می‌انجامد، از شاگرد مدرسه موسیقی پذیرفته نیست. کلنل وزیری هم چون این خصیصه نظم و ترتیب را ابتدا از پدر و بعد در محیط نظامی آموخته بود، در

این زمینه هیچ مشکلی نداشته و یا دست کم می‌توانسته آسان‌تر از دیگران با سیستم منظم آموزش موسیقی در اروپا هماهنگ شود.

ویژگی دوم کلنل وزیری، لطافت فطری روحیه اوست. بررسی زندگی او نشان می‌دهد که وزیری هیچگاه از فطرتش دور نشده است. فطرتی که همیشه پیش از این که بخواهد به معشوق و معبود خودش برسد، فرصت به عرصه ظهور رسیدنش به او داده نشده اما یک باره وقتی شکوفا می‌شود و عرصه برای بروز این روحیه لطیف باز می‌شود، این همه آثار زیبا و ماندگار از سرینجه و قلم ایشان بیرون می‌ریزد و بخش مهمی از تاریخ معاصر موسیقی ما را شکل می‌دهد. اینها همگی نشان‌دهنده همان قاعده رجعت به درون و اصل خویش است که مولوی به زیباترین شکل بیان کرده است:

"هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش"

در حقیقت برای کلنل وزیری هم چنین اتفاقی افتاده است. به نظر می‌رسد که حتی اگر وزیری در حرفه نظامی‌گری هم باقی می‌ماند، شاید دیگر نمی‌توانست منشأ تحولات اساسی در موسیقی باشد، اما ممکن بود تبدیل به فردی می‌شد که در خلوت خود به درون خویش باز می‌گشت. البته این تنها یک نظر است و ما نمی‌خواهیم آن را به عنوان یک حکم مطرح کنیم، اما همین مسأله نشان می‌دهد که نوعی جوشش ذاتی در شخصیت کلنل وزیری وجود داشته که می‌توان آن را پدیده‌ای فطری دانست، همان ویژگی ژنتیکی یا هر آنچه که بخواهیم آن را بنامیم.

فرشید ذاکری

من می‌خواهم در زمینه بحث پیرامون روحیه کلنل

و بعد استاد خالقی می‌گوید: "... همه با هم گفتند که عشق آقای وزیری هم به شکست انجامید...".

یک نکته جالب دیگر در مورد روحيات کلنل وزیری، چگونگی رویارویی او با انقلاب مشروطه است. در زمان انقلاب مشروطه با این که او در لباس نظامی بود و قاعداً مانند هر نظامی دیگر باید سرسپرده و فرمانبردار حکومت می‌بود، اما می‌بینیم که کلنل گرایشات مشروطه‌خواهانه پیدا می‌کند، این تأییدی است بر صحبت‌های شما در این مورد که اساساً وزیری فطرتش به سمت تحول خواهی و علیه واپسگرایی بوده است.

این ویژگی کلنل وزیری فراتر از دایره موسیقی ایشان بوده است. برای مثال در اپرت "شوهر بدگمان" در شعر انتخاب شده برای این کار گفته می‌شود:

"گاه وحشی‌گری ای مرد گذشت

دوره خودسری ای مرد گذشت

زن میوه باغ هنر است

هیچ گویی تو که زن هم بشر است؟"

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وزیری در زمینه موسیقی دنبال همان تحولی بوده که در مضامین اشعار ایرج میرزا، میرزاده عشقی و عارف قزوینی نیز در دوران مشروطیت دیده می‌شود که آن نه فقط یک مسأله سیاسی، بلکه یک تحول همه جانبه اجتماعی است.

مسیح افقه

من فکر می‌کنم عبارت "هنر عین آزادی است" که برخی صاحب‌نظران علوم سیاسی برای تعریف هنر از آن استفاده کرده‌اند، اینجا مصداق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، این همان فطرت است که در وزیری یک جایی نمود اجتماعی پیدا می‌کند، یک جایی نمود شخصی و جایی

وزیری، پیش از رسیدن به دوره تأسیس مدرسه، از مقاله‌ای نوشته آقای مطیع‌الدوله حجازی، که گویا دوست دیرین و برادر خانم کلنل وزیری بوده است، یاد کنم. وی در بخشی از مقاله‌اش که در آن زمان چاپ شده، کلنل وزیری را این طور توصیف می‌کند:

"آنچه شاید از همه عجیب‌تر در او مشاهده می‌شود آن است که دشواری را استقبال می‌کند و سختی را به مبارزه می‌طلبد. همیشه مقدم به کاری است که هنوز هموار نکرده و بر توسنی سوار است که رام نموده..."

به نظر می‌رسد که ایشان از همان اول این روحیه را داشته است. نکته‌ای که می‌خواهم در حاشیه بحث به آن اشاره کنم این است که کلنل وزیری با وجود نظم شخصیتی که حاصل دوره نظامی‌گری اوست، عاشق هم می‌شده است! استاد خالقی در جایی از قصه عاشق شدن کلنل وزیری یاد کرده است و به تصنیف "زبان عشق" اشاره می‌کند که در دستگاه افشاری ساخته و با شعری از "دکتر حسین گل‌گلاب" برای تمرین به شاگردانش داده است. شعر تصنیف این است:

"هوای عشق اگر ظاهر شود ناگه

نگردد عقل دور اندیش از آن آگه

رود ایام هجران و پریشانی

رسد آخر دل شیدا به سامانی"

تصنیف دیگری که استاد خالقی از آن یاد می‌کند تصنیف "ناامید" در دستگاه سه‌گانه و باز هم با کلامی از دکتر گل‌گلاب است که در آن می‌گوید:

"خوشا آن زمانی که دل بر تو بستم

ز هر جا گذشتی به راهت نشستم

چو بر من کمندی ز عشقت فکندی

به دامی فکندی که هرگز نرستم"

آگاهی از وضعیت جامعه آن روز ایران است، جامعه‌ای بیشتر روستایی که در هر روستایش بیست نفر آدم زندگی می‌کردند و شهرهایش هم بسیار محروم و بدون امکانات شهری بودند. حتی پایتخت هم وضعیت نامناسبی داشت؛ به طوری که برای مثال کنسول انگلیس در جایی برای سفر کردن از اصفهان به تهران، یک هفته در راه بوده است که این نشان می‌دهد در سال ۱۲۶۵ وضعیت جامعه ایران تا چه حد ابتدایی بوده است. طبیعی است که در چنین شرایطی کسانی که گذرشان به کشورهای اروپایی می‌افتاد، تا حدی تحت تأثیر ارزش‌های جوامع اروپایی قرار گرفتند که کلنل وزیری هم از این قاعده مستثنی نبوده است.

مسیح افقه

شما به نکته جالبی اشاره کردید. ببینید وقتی برای طی یک مسافت نسبتاً کوتاه بین اصفهان و تهران، مردم یک هفته در راه بوده‌اند، برای سفر به اروپا تا چه حد دچار زحمت می‌شده‌اند. شاید برای همین است که حتی امروز هم مردم ما پیش از شروع سفر دعا می‌کنند که خداوند، رنج سفر را بر ما آسان گردان! مسافرت در آن زمان چنان سخت بوده که شاید تنها شخصی با همت و انگیزه کلنل وزیری از عهده آن برمی‌آمده است. چون ایشان برای خوشگذرانی که به فرنگ نرفته، برای یادگیری رفته بنابراین انگیزه سفر او با انگیزه امثال ناصرالدین شاه یا مظفرالدین شاه فرق داشته است. آنها تنها برای مستفیض شدن از مظاهر فرنگ به آنجا می‌رفتند ولی کلنل برای استفاده از فرصت به دست آمده برای آموختن به این سفر رفته است. به قول استاد پایور: "استفاده با استفاضه خیلی فرق می‌کند!" وزیری برای استفاده به فرنگ رفته و انگیزه فوق‌العاده قوی و همت بسیار بالایی داشته است. این مطلب در تأیید همان نکته‌ای است که شما از قول آقای مطیع‌الدوله حجازی نقل کردید که کلنل وزیری "دشوارداری را استقبال

دیگر به عنوان یک هنر - یعنی نوازندگی اش - خودش را نشان می‌دهد. همه اینها همان جوشش درونی وزیری است که در حقیقت خیلی سریع رشد کرده است.

برای مثال، گفته شده که استاد صبا از کودکی پیش میرزا عبدالله کار می‌کرده، بعد رفته خدمت درویش خان و آنجا شاگردی کرده، یعنی همه استادان زمان خود را دیده است. من به خاطر دارم یک بار که استاد خرم برای شرکت در یکی از آیین‌های بزرگداشت استاد صبا به شیراز آمده بودند، تعریف می‌کردند که مبنای ریتم را از پدرشان آموخته‌اند؛ اما کلنل وزیری که پدرشان موزیسین نبوده است، حتی فرصت حضور ایشان در محضر دایی یا مادرشان هم که با هنر موسیقی آشنایی داشته‌اند، آن قدر زیاد نبوده است. اما وقتی ویژگی‌های ذاتی ایشان فرصت بروز پیدا می‌کنند، می‌بینیم که در عرصه اجتماعی مشروطه خواه می‌شوند و در تعاملات اجتماعی زمان خودشان شرکت فعال دارند؛ این نشان‌دهنده همان تعریف علوم سیاسی از هنر است که می‌گوید: "هنر عین آزادگی است"؛ بنابراین کلنل وزیری یک شخصیت آزاده بوده است.

فرشید ذاکری

بله درست است. شواهد دیگری از این روحیه آزادگی در زندگی ایشان دیده می‌شود. برای مثال آن سینمایی که برای خانم‌ها می‌سازد تا ببینند و فیلم تماشا کنند یا امکاناتی که برای حضور بانوان در کنسرت‌ها فراهم می‌کند. البته زمانی که کلنل به فرنگ می‌رود و با ارزش‌های آنجا آشنا می‌شود و به دنبال آن خدمت در ارتش را رها می‌کند، زمینه بروز این ویژگی‌هایی ذاتی بیشتر فراهم می‌شود.

یک بار هم که استاد لطفی در مورد آقای وزیری صحبت می‌کردند، به این فطرت ایشان اشاره کردند و آن را برگرفته از سیستم زندگی ایشان می‌دانستند. نکته مهم دیگر در بررسی روحیات کلنل وزیری،

البته این استنباط من است و جایی به آن اشاره نشده که چرا او دو بار محل اقامتش را عوض کرده اما شاید با توجه به ویژگی های شخصیتی اش بتوان حدس زد که برای دست یافتن به آگاهی بیشتر این کار را کرده است.

نادعلی شجاعی

نکته ای که به نظرم جالب می رسد و شاید یکی از ویژگی های آن دوره باشد، تشابه کلنل وزیرری با معدود افراد معاصر خودش است. برای مثال "عبدالحسین نوشین" در زمینه تئاتر. نوشین جزء دانشجویانی است که در دوره رضاشاه برای تحصیل به اروپا اعزام شدند، اما پس از مدتی به خاطر این که رشته اصلی اش را رها می کند و به دنبال تئاتر که برای کسی تعریف شده نبوده، می رود، حق و حقوقش را قطع می کنند و در تنگنا می افتد. نکته جالب تفاوت فرهنگی در شیوه پرورش کلنل وزیرری و عبدالحسین نوشین است و واکنش این دو شخصیت در رویارویی با فرهنگ اروپا.

مسیح افقه

به نظر می رسد که کلنل وزیرری از "هوش هیجانی" بالایی برخوردار بوده است و به همین دلیل قادر بوده تطابق بسیار زیادی با محیط پیرامون خود پیدا کند. همین که او در فرهنگ شرق پرورش یافته و در رویارویی با فرهنگ غرب طی ۵ سال دوران تحصیل توانسته استفاده های زیادی از آن ببرد، شاید دلیل محکمی بر این ادعا باشد. البته لازم می دانم به نکته ای خارج از این بحث اشاره کنم و آن تأثیر حامیان کلنل وزیرری در دوره تحصیل وی در اروپاست. این افراد که از زمره شخصیت های بسیار روشن فکر زمان خود بوده اند، حاضر شدند تا حد زیادی از کلنل وزیرری حمایت کنند. شاید آشنایی وزیرری با این افراد و آثارشان تأثیر زیادی در شکل گیری چشم انداز شخصیتی

می کند و سختی را به مبارزه می طلبد. همیشه مقدم به کاری است که هنوز هموار نکرده و بر توسنی سوار است که رام نموده...". بنابراین در شخصیت ایشان ویژگی مقابله با مشکلات وجود داشته است. خیلی از بزرگان موسیقی ما هم رفتند تفلیس برای حفظ آثارشان، اما مسافرت های آنها خیلی طولانی نبوده و تنها به قصد ضبط آثار انجام می شده است، اما کلنل وزیرری برای تحصیل موزیک به اروپا رفته بوده یعنی برای تحصیل چیزی که بی شک از ابتدا در نظر داشته و می دانسته با چه چیزهایی رو به رو خواهد شد. او برای تحصیل طب یا مهندسی به اروپا نرفت تا وقتی برگردد جایگاه اجتماعی آنچنانی در ایران پیدا کند، این نکته خیلی مهمی است. همین مسأله که کلنل وزیرری با آن که می دانسته در جامعه ایران حتی به بزرگان ما لقب "عمله طب" می داده اند و از جایگاه آنها به خوبی اطلاع داشته، اما باز هم برای تحصیل موسیقی عازم اروپا شده، نشان دهنده میزان علاقه مندی، انگیزه قوی و ظرفیت ریسک پذیری بالای او برای تحصیل موسیقی است. کلنل وزیرری در مقاله "درد هنرمند" که پس از درگذشت استاد صبا در سال ۱۳۳۶ نوشته است به این نکته اشاره می کند که با وجود آن که استاد بزرگش به او توصیه کرده بود که برنگردد اما آن قدر عرق ملی داشته که می خواسته برگردد با این که می دانسته که عوام او و امثال او را "عمله طب" می نامند. البته کلنل وزیرری در این مقاله اذعان می کند که نمیدانسته کارشکنی در راه هنر در این مملکت تا چه حد جدی است.

فرشید ذاکری

این که کلنل وزیرری در طول اقامت ۵ ساله اش در اروپا محل اقامتش را دو بار عوض کرده، یعنی ۳ سال در فرانسه و ۲ سال در آلمان درس خوانده، نشان از ذهن کنجکاو او دارد. شاید به دنبال حرف تازه ای در جای دیگر بوده است.